

وقف آموزشی از دیدگاه جغرافیای فرهنگی

پروانه شاه‌حسینی^۱

چکیده

ارتقاء سطح آموزش و فرهنگ یکی از اهداف وافقان برای کسب رضای خداوند و بهبود وضعیت جوامع است. این مهم با احداث و وقف مراکز آموزشی یا قرار دادن موقوفاتی برای تأمین مخارج ساختمانی و انسانی آنها و تداوم فعالیت مراکز آموزشی و فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود. در مقاله حاضر با استفاده از اطلاعات و داده‌های موجود وقف و موقوفات آموزشی شهر تهران در دو دوره قاجاریه و پهلوی با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده‌اند، یافته‌ها نشان می‌دهد که در دوره قاجاریه تا سال ۱۳۱۶ ق، وافقان عمدتاً به احداث و وقف مدارس علمیه و به میزان بسیار اندکی مکتبخانه اقدام می‌کرده‌اند و موقوفاتی برای اداره آنها قرار می‌داده‌اند. از سال ۱۳۱۶ ق به بعد به دنبال آشنایی ایرانیان با مظاهر تمدنی غرب، احداث و وقف مدارس به سبک جدید و قرار دادن موقوفاتی برای تأمین هزینه‌های آنها نیز به موارد وقف آموزش قبلی افزوده شد. در دوره پهلوی وقف بر آموزش علوم دینی اشکال جدیدی یافت چون اجرای فعالیتهای تربیتی و علمی اسلامی و نشر مطبوعات دینی و وقف بر آموزش علوم جدید در سطوح عالی یعنی دانشگاه نیز صورت می‌گرفت. تحول دیگر شکل‌گیری بنیادهای خیریه است که در زمینه ارتقاء آموزش و فرهنگ جامعه تلاش می‌کردند.

کلید واژه: وقف، موقوفات، مدارس علمیه، مدارس سبک جدید، دوره قاجاریه، دوره پهلوی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از انواع موقوفات، تأسیسات آموزشی و فرهنگی است که با ایجاد و تأمین هزینه‌های آنها کمک به ارتقاء سطح دانش و پیشرفت جامعه می‌کند. این گونه موقوفات در دوره قاجاریه عمدتاً در آموزش علوم دینی و از اواخر این دوره و در دوره پهلوی علاوه بر آن در آموزش علوم جدید نیز متجلی شده است. آموزش در دوره قاجاریه تا تأسیس مدرسه دارالفنون زیر تأثیر جو مذهبی حاکم عمدتاً محدود به علوم دینی بود. توجه به علوم عقلی پس از تأسیس این مدرسه و اعزام دانشجو به اروپا و ارتباطات و تعاملات بیشتر با غرب در سطح مدارس به سبک جدید مطرح شد. بر این اساس در بخش اعظم دوره قاجاریه چنانچه افرادی خواستار تحصیل در علوم عقلی و جدید چون حساب، هندسه، جغرافیا، شیمی و غیره بودند به سختی می‌توانستند کتابهای مربوطه را در ایران تهیه کنند (مستوفی، ۱۳۷۷، ص ۳) و باید برای ادامه تحصیل به اروپا می‌رفتند. هرچند دانش‌آموزان اعزامی به اروپا به علت ضعف ساختاری آموزش خود نمی‌توانستند موفقیت‌چندانی در مجامع آکادمی اروپا به دست آوردند و بعضی از آنها به صورت تجربی آموزش می‌دیدند^۱ (هاشمیان، ۱۳۷۹) و احداث مدرسه دارالفنون، مجتمع صنایع الماسیه و مجتمع صنایعها و نیز مدارس خارجی نتوانست تغییر چندانی در کاهش آموزش از سطح مکتبخانه‌ها و مدارس علمیه به سوی آموزش در سطوح دیگر ایجاد کند. البته جز عامل مذهب، عوامل دیگری چون کم‌توجهی مردم به مشاغل تولیدی و فنی و غلبه اقتصاد تجاری می‌تواند در این مهم مؤثر بوده باشد. اما این روند از سال ۱۳۱۶ ق به بعد تغییر و در دوره پهلوی تداوم یافت. چگونگی وقف و موقوفات آموزشی شهر تهران طی این دو دوره هدف مورد بررسی در این مقاله است.

پیشینه پژوهش

تاکنون موضوع وقف و موقوفات از ابعاد مختلفی چون فقهی، حقوقی، قضایی و اعتقادی بررسی شده و بعضی از پژوهشها بر تأثیر آنها بر محیطهای شهری و روستایی تأکید دارند. اما در زمینه تأثیر وقف در نظام آموزشی به‌ویژه شهر تهران که موضوع مقاله حاضر است به جز مقاله‌ای که نویسنده در سال

^۱ در حالی که پیشینه آموزش علوم عقلی در ایران به عهد باستان برمی‌گردد. برای مثال در زمان داریوش کبیر دانشکده سائیس برای تربیت پزشک و اعزام به تمامی حوزه‌های شاهی در جوار معبد نیت به هزینه وی تأسیس شده بود. یا آموزشگاه بزرگ دیگری که نیروی انسانی برای مشاغل دولتی تربیت می‌کرد وجود داشت (سامی، ۱۳۸۸، ۲۷۶).

۱۳۷۷ در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی به چاپ رسانده، پژوهش دیگری صورت نگرفته است. در مقاله حاضر این موضوع به شکل مبسوط و کامل تری نسبت به مقاله قبلی بررسی شده است.

روش پژوهش

در این پژوهش براساس اسناد و آمارهایی که در منابعی چون رضایی، ۱۳۸۶؛ حسینی بلاغی، ۱۳۸۷؛ حاجی بابایی، ۱۳۸۵ آمده، موضوع بررسی و برای درک بهتر از جداول بهره گرفته شده است. وقف آموزشی با استفاده از جداول با روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده است.

یافته‌های پژوهش

دوره قاجاریه: تا پیش از احداث مدارس به سبک جدید به وسیله خارجیها و حتی پس از آن آموزش عمدتاً در مکتبخانه (نخستین، ۱۳۶۷، ۵۰) در سطح ابتدایی (قاسمی پویا، ۱۳۷۷، ۶۲) و مدارس علمیه در سطح عالی صورت می‌گرفت که هر دو این نهادهای غیر دولتی زیر تأثیر جو مذهبی به تدریس علوم دینی می‌پرداختند. با این وجود، مدارس علمیه از اقبال بیشتری برخوردار بودند هرچند مدارس علمیه این دوره نقایصی چون نداشتن نظام آموزشی واحد و نظام‌مند، نارسایی و نامناسبی آموزش علوم دینی و اداره آن براساس رابطه و همکاری استاد و شاگردی داشتند. تنها در این دوره دو مکتبخانه وقف شده است که یکی را محمدحسین خان سپهسالار در سال ۱۲۹۷ ق و دیگری را عیسی وزیر سابق دارالخلافه وقف کردند و موقوفاتی برای آنها به علاوه مساجد و مدارس علمیه وقفی خود قرار داده‌اند. در مقابل تعداد بسیار مدارس علمیه و موقوفات فراوانی که برای ادامه فعالیت آنها اختصاص داده شده وجود دارد (جدول ۱). لازم است توضیح داده شود که موقوفات مدارس علمیه‌ای که در جدول (۱) آمده به جز موقوفاتی است که واقفان برای کل مدارس علمیه نه مدرسه‌ای خاص قرار داده‌اند.

شاید بتوان توجه به مدارس علمیه و بی‌توجهی به مکتبخانه‌ها را بنا به اشکالات ساختاری مکتبخانه‌ها دانست. یعنی کمیت و کیفیت پایین برنامه‌های درسی، دشواری کتابهای مورد تدریس از نظر زبان نگارش و حجم، درک نادرست مفاهیم به علت شیوه آموزش طوطی‌وار، سطح هر مکتبی به سطح سواد آخوند باجیهها، میرزا باجیهها، ملا باجیهها، خان باجیهها، و شاه باجیهها، بستگی داشت که عمدتاً سطح سواد پایینی داشتند که سبب می‌شد مردم به مدارس خارجی گرایش پیدا کنند، رفتار نامناسب معلمان با شاگردان، تأثیر کم شاگردان فارغ‌التحصیل بر محیط اجتماعی خود (هر چند که تحصیل کرده‌های ایران تا سال ۱۲۶۶ ق نخستین مرحله

تحصیل خود را در مکتبخانه‌ها سپری کرده بودند)، عدم ضرورت اختصاص مکانی خاص به مکتبخانه (مکتبخانه قسمتی از مسجد یعنی زاویه و شبستانها، خانه مکتبدار (مکتبخانه عمومی) و خانه اعیان (مکتبخانه خصوصی) بود). در حالی که مدارس علمیه با داشتن منزلت و جایگاه مذهبی - اجتماعی و حتی سیاسی مرتبه بالاتری داشتند. یعنی ۱. تعلیم و تربیت افرادی که بتوانند قوانین اسلام را استنباط، تدوین و نشر دهند. مانند فقها و مجتهدان. ۲. قدرت و وجود مجتهدان و علمای مذهبی طراز اول به‌عنوان مدرس و اداره‌کننده مدارس. مجتهدان، طراز اول از زمان صفویه به بعد در هرم اجتماعی سومین گروه بعد از شاه و شاهزادگان طراز اول و عمال ویرانی به‌شمار می‌آمدند. ۳. نفوذ معنوی شدید روحانیون بر مردم. وجود مدارس علمیه به‌عنوان تنها مرکز آموزشی سطح عالی تا قبل از تأسیس مدرسه دارالفنون. ۴. توجه به آموزش علوم دینی و عدم توجه به آموزش علوم عقلی چون علوم طبیعی، ریاضی و ادبی که روند آن از دوره صفویه شروع شده بود و در دوره قاجاریه به اوج خود رسید. ۵. رفتار و کردار مناسب روحانیون با طلاب. ۶. دامنه عملکرد وسیع فارغ‌التحصیلان مدارس علمیه بر شهر و سایر نقاط کشور. ۷. سطح بالای منزلت اجتماعی مدارس علمیه با برگزاری مراسم عزاداری، و تغزیه‌خوانی (گلریز، ۱۳۶۸، ص ۵۸۰) و نیز در موارد خاصی برگزاری مراسم عزاداری به مناسبت فوت مجتهدی عالیرتبه.

از این رو وقفهای آموزشی شهر تهران تا اواخر حکومت ناصرالدین شاه عمدتاً در مدارس علمیه خلاصه می‌شود. در این مهم با وجود ابراز و اظهارات شدید مذهبی پادشاهان قاجار، هیچ یک از آنها مشارکت نداشتند به جز ناصرالدین شاه که قنات جانب غربی دارالخلافه را برای هزینه‌های مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین وقف کرد (رضایی، ۱۳۸۶، ۴۳۶) بقیه پادشاهان قاجار برای مدارس علمیه موقوفاتی قرار ندادند. در حالی که در قرنهای هشتم و نهم هجری سلاتین اقدام به احداث مدارس با مدیریت خود برای اعمال سیاستهای خویش در عرصه‌های اجتماعی - سیاسی می‌کردند و به علت جایگاه والای مدارس، آنها مدفن بسیاری از مؤسسان خود بوده‌اند (جعفری، ۱۳۳۸، ۸۵-۱۰۵). شاید بتوان این نوع برخورد شاهان قاجار را با مدارس علمیه بنا به دلایل زیر دانست: ۱. سطح پایین جایگاه اجتماعی - سیاسی مدارس علمیه نسبت به مدارس قرنهای هشتم و نهم هجری قمری، ۲. عدم پذیرش کمک مستقیم حکومت از طرف جامعه روحانیت، ۳. جلوگیری از قدرت‌یابی بیشتر روحانیون در جامعه، ۴. ممانعت از تضاد و اختلاف روحانیون با شاه با اعطای قدرت بیشتر به تعداد خاصی از آنها، ۵. وجود یک‌دستی مذهبی جامعه. یعنی شیعی بودن غالب جامعه شهری تهران، ۶. عدم تعهد نسبت به آموزش دولتی.

در کنار آموزش سنتی از زمان محمد شاه میسونرهای اروپایی در مدارس که خود ایجاد می‌کردند به سبک اروپایی آموزش می‌دادند و مردم به علت معایب آموزش سنتی به‌ویژه آموزش مکتبخانه‌ها گرایش بسیاری به آنها داشتند به مرور زمان با انتقادات زیادی که از مکتبخانه شد، مدارس جدید به وسیله ایرانیان نیز تأسیس شد.

از آنجا که با فعالیت این‌گونه مدارس مخالفت می‌شد، اولین مدرسه به سبک جدید در تهران یعنی مدرسه رشديه که با کمک امین‌الدوله و همیاری میرزا محمود خان احتشام‌السلطنه از دولتیان به وسیله رشديه به نام مدرسه رشديه احداث شد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ۱۸۴؛ کسروی، ۲۵۳۷، ۲۵)، با کمک وقف و سپردن اداره آن به دست سید محمد طباطبایی توانست به حیات خود ادامه دهد (کسروی، ۲۵۳۷، ۲). همچنین از میان مدارس ملی و مجانی که دولت و رجال و ثروتمندان به طور فردی یا در قالب انجمن معارف در محله‌های مختلف تهران احداث کردند مانند مدرسه‌های خیریه، علمیه، شرف، افتتاحیه، مظفریه، دانش، سادات، ادب، قدسیه، کمالیه، سعادت، اسلام و خرد، چهار مدرسه وقفی خیریه، سادات، اسلام و رشديه توانستند بهتر از بقیه به فعالیت خود ادامه دهند (جدول ۲). در حالی که مدارس دولتی به واسطه نرسیدن کمکهای دولتی وضع مناسبی نداشتند و مدارس ملی با مشکل مالی مواجه بودند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ۳۸۰). علاوه بر مسلمانان، زرتشتیان نیز موقوفاتی برای آموزش دانش‌آموزان خود اختصاص دادند وقف ۲ باب خانه؛ سهمی از حیاط صحن و راهرو، بامها، حوض و بانوچه؛ ۳ دانگ یخچال و ۲ آب چاپدان، گود یخچال و ۲ قطعه زمین متصله به آن در سال ۱۳۲۶ ق (رضایی، ۱۳۸۶) از آن جمله است.

به این ترتیب مدارس به سبک جدید و تأمین هزینه‌های آنها در کنار مدارس علمیه از دوره مظفرالدین شاه جز مصادیق وقف قرار گرفت و در این مهم هم پادشاهان قاجار یعنی مظفرالدین شاه نیز مشارکت کرد. به دنبال حمایت از آموزش و پرورش در اصله‌های ۱۸ و ۱۹ قانون اساسی مشروطیت ایران مصوب ۱۴ ذیقعه ۱۳۲۴^۱، مظفرالدین شاه معدن گاجره را برای سوخت محصلان مدرسه خیریه وقف و ابنای دولت را به کمک‌رسانی به مدارس جدید تشویق کرد که نتیجه آن تأسیس ۸ مدرسه جدید به وسیله انجمن معارف است.

۱. اصل ۱۸: تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آن چه شرعاً ممنوع باشد.

اصل ۱۹: تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد. (شجیعی، ۱۳۷۲).

ادامه جدول ۱: مدارس علمیه و مکانهای وقفی آنها در دوره قاجاریه

مکان	مختصات جغرافیایی	مکان و مکان وقف				تاریخ	تاریخ وقف	نام مدرسه علمیه	رتبه	مختص
		شماره	مختصات جغرافیایی	تاریخ	تاریخ وقف					
مدرسه علمیه و مکان وقفی	مختصات جغرافیایی	۱	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۱	مختص	
		۲	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۲	مختص	
		۳	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۳	مختص	
		۴	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۴	مختص	
		۵	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۵	مختص	
		۶	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۶	مختص	
		۷	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۷	مختص	
		۸	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۸	مختص	
		۹	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۹	مختص	
		۱۰	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۱۰	مختص	
مدرسه علمیه و مکان وقفی	مختصات جغرافیایی	۱	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۱	مختص	
		۲	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۲	مختص	
		۳	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۳	مختص	
		۴	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۴	مختص	
		۵	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۵	مختص	
		۶	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۶	مختص	
		۷	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۷	مختص	
		۸	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۸	مختص	
		۹	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۹	مختص	
		۱۰	۳۰° ۳۰' ۰۰"	۵۰° ۳۰' ۰۰"	۱۳۰۰	۱۳۰۰	مدرسه علمیه	۱۰	مختص	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲: مکانهای وقفی مدارس جدید وقفی در دوره قاجاریه

سال	محل وقوع مکان وقفی	نوع مکان وقفی	نام مدرسه
۱۳۱۶ ق ۱۲۷۷ ش	تهران، شمیران دماوند مازنداران	املاک و مستغلات	خیریه
۱۳۲۴ ق	تهران	معدن گاجره	
۱۳۲۴ ق	بازار	خانه	سادات
۱۳۲۴ ق	سنگلج	عمارت	
۱۳۲۱ ق	سنگلج	۲ باب مغازه	
۱۳۲۶ ق	بازار	۲ دانگ اعیان کاروانسرای آرامنه	
۱۳۴۱ ق	چال میدان	کاروانسرا	
۱۳۴۲ ق	عودلاجان	۳ باب مغازه	
۱۳۱۹ ق		۱۰۰۰ تومان مطابق ورقه اسناد شراکت از اداره شرکت عمومی امتعه ایوان	
۱۳۲۴ ق		۸ پارچه اموال منقول	

منبع: اطلاعات از رضایی، ۱۳۸۶

دوره پهلوی

روند وقف و قرار دادن موقوفاتی بر مراکز آموزشی سبک جدید که از ۱۳۱۶ ق به بعد آغاز شده بود در دوره پهلوی نیز تداوم یافت. در این مهم علاوه بر وقفهای سنتی، بنیادها و مؤسسات خیریه وقفی و غیر وقفی در سطح شهر تهران و حتی در سطح ملی اضافه شدند (شاه‌حسینی، ۱۳۷۷). مانند بنیاد فرهنگی البرز که علاوه بر ساخت مدارس در شهرهای مختلف، وامهای تحصیلی به دانشجویان نیز می‌دهد. این بنیادها و مؤسسات خیریه در احداث و وقف مراکز آموزشی سبک جدید و فعالیتهای تربیتی و علمی و اسلامی همچنین نشر مطبوعات دینی برای عموم مردم به‌ویژه نوجوانان و جوانان فعال بودند. مانند مؤسسه حسینییه ارشاد.

تحول دیگر اجرای وقفهایی در سطح دانشگاهی است. برای مثال وقفهایی در سطح آموزشی و پژوهشی برای دانشگاه تهران شده بود (جدول ۳). هر چند این وقفها در محدوده شهر تهران بوده، محصول آن بعد کشوری و فراه کشوری نیز داشته و دارد. برای مثال چاپ مجله آینده یا فعالیتهای مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران که منبع تأمین مالی آن موقوفه افشار است.

در این دوره به‌ویژه در دوره پهلوی دوم علاوه بر مردم، محمدرضا پهلوی و خانواده وی با ایجاد بنیاد پهلوی و سایر مراکز خیریه مشارکت داشته‌اند (ازغندی، ۱۳۸۲).

جدول ۳: مشخصات موقوفات دانشگاه تهران در دوره پهلوی

نام واقف	نوع موقوفه	آدرس	سال	توضیحات
اسماعیل پورشیروانی	۲ دانگ پاساز ۴ طبقه	خ جمهوری - پاساز شیروانی	۱۳۲۸	
محمدعلی نظام‌مافی	۳ قطعه زمین	جنت آباد	۱۳۳۶	در یکی از ۳ قطعه زمین مذکور به مساحت ۱۶۳۲۰ متر مربع شرکت تعاونی مسکن هیأت‌های علمی دانشکده حقوق با کسب مجوز از هیأت رئیسه وقت دانشگاه تهران مجتمع مسکونی برای اساتید و کارکنان دانشگاه تهران ساخته است. ۲ قطعه دیگر در اوایل انقلاب اسلامی به تصرف زمین شهری درآمد و هیأت هفت نفره مقداری از آن را در اختیار افراد بدون مسکن قرار داده است. دفتر حقوقی دانشگاه تهران به شدت پیگیر تصرف بقیه زمین است تا نیت واقف را عملی کند
حسن عطایی (ناصر)	آپارتمان ۶ باب مغازه	بخش ۵ سبزیکار الملک خ مدرسه فلاح	۱۳۳۹	
زهره صمدی (وصیت‌نامه)	یک قطعه زمین بیش از ۴۰ هکتار	اسلامشهر	۱۳۴۲	
محمود افشار یزدی	ساختمان و باغ مؤسسه باستان‌شناسی ساختمان و باغ لغت‌نامه دهخدا ساختمان مشتمل بر ۱۲ دستگاه آپارتمان مسکونی و ۴ باب مغازه ساختمان تولیت ساختمان متولی ۲ مغازه ۱۸ خط تلفن ۵ ساعت و ۵۳ دقیقه حفایه قنات باغ فردوس ۳ قطعه زمین ۳ قطعه زمین مزروعی باغ و حفایه رودخانه کن زمین	باغ فردوس خ آفریقا شهرری، مبارک‌آباد بهشتی کن	۱۳۳۷ ۱۳۵۲	اکنون دفتر مجله آینده خانه برای سکونت واقف و خانواده‌اشان طبق ماده ۳۱ وقفنامه برای گورستان دانشمندان ایرانی و متولیان و کسانی که از طرف متولیان اجازه دفن آنها صادر می‌شود، دگرگرفته شده است. بنیاد دانشنامه فارسی، مرکز بین‌المللی همزیستی با کویر، دفتر انجمن صنایع غذایی، تعاونی در موقوفه افشار واقع است. تا سال ۱۴۱۱ حبس است و پس از آن انجام تحقیقات علمی و آزمایشگاهی و درمانی بیماری سرطان در داخل ایران زیر نظر دانشگاه تهران به علت قدمت نفاست و سبک معماری این بنا با مجموعه آثار و اشیاء زینتی به عنوان موزه مقدم و باغ نگارستان معروف است.
هرمز شاهرخ‌شاهی (صلح)	خانه و عمارت ۸ طبقه	عباس آباد	۱۳۵۱	
محسن مقدم	عمارت مشتمل بر بیرونی و اندرونی عمارت مشتمل بر حیاط و باغچه و ۲ حیاط و عمارت، حیاط خلوت مغازه و فوقانی آن اشیاء و عتیقه و ظروف و تابلوها و اجبار و کاشی‌آلات منصوبه کتبخانه ۳ باب مغازه و ۲ باب اطاق شمالی ساختمان مشتمل بر ۳ باب مغازه و ۳ باب اطاق، چند باب صندوقخانه تالار و حوضخانه ساختمان ۲ باب مغازه راهرو بالاخانه	حسن آباد - خ امام خمینی - خ شیخ‌هادی خ لاله‌زار	۱۳۵۱	بعد از ثبت ملک ساخته شده است.
علی‌اکبر امری	۳ قطعه زمین	کن	۱۳۵۱	
اقدس‌الملوک مصطفوی (رجالی (پهرامی)	عمارت ۳ طبقه	خ انقلاب - خ اردیبهشت نرسیده به خ جمهوری	۱۳۵۴	

منبع: اطلاعات از حاجی بابایی، ۱۳۸۵، ۲۲۰-۱۸۰

نتیجه‌گیری

مراکز آموزشی وقفی در دوره قاجاریه عمدتاً در احداث و وقف مدارس علمیه و تأمین منابع مالی برای مخارج ساختمانی و انسانی آنها خلاصه و به مکتبخانه‌ها به علت وجود اشکالات ساختاری کمتر توجهی می‌شد. این رویکرد با آشنایی ایرانیان با مظاهر تمدنی مغرب زمین از سال ۱۳۱۶ ق به بعد تغییر کرد. از این زمان به بعد احداث و وقف مدارس به سبک جدید و قراردادن موقوفاتی برای اداره آنها به وقف مراکز آموزشی علوم دینی نیز افزوده شد. با تصویب موادی در قانون اساسی که دولت مکلف به ارائه خدمات آموزشی به مردم شد، مظفرالدین شاه معدن گاجره را برای تأمین سوخت مدرسه خیریه وقف کرد. توجه واقفان به آموزش علوم جدید در دوره پهلوی نیز تداوم یافت و واقفان علاوه بر وقفهای سنتی در غالب بنیادها و مراکز خیریه وقفی و غیر وقفی به این مهم پرداختند.



منابع

۱. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۲)، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷؛ تهران: سمت.
۲. جعفری، محمدحسن (۱۳۲۸)، تاریخ یزد؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۳. حاجی بابایی، احمد (۱۳۸۵)، سیر تحول و توسعه املاک و مستغلات دانشگاه تهران؛ رساله دکترای، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۴. حسینی بلاغی، عبدالحجّه (۱۳۸۷)، گزیده تاریخ تهران؛ تهران: مازیار
۵. دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲)، حیات یحیی؛ جلد اول، چاپ چهارم، تهران: فردوسی
۶. رضایی، امید (۱۳۶۸) (به کوشش)، فهرست اسناد موقوفات ایران، دفتر چهارم (تهران و توابع)؛ تهران: ترمه به سفارش بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف.
۷. سامی، علی (۱۳۸۸)، تمدن هخامنشی (جلد اول)؛ تهران: سازمان سمت.
۸. سعدوندیان، سیروس و منصوره اتحادیه (نظام بیافی) (۱۳۶۸)، آمار دارالخلافه تهران، استادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجاریه؛ تهران: نشر تاریخ ایران.
۹. شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۷۷)، «رديابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره قاجار تا جمهوری اسلامی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی؛ شماره ۴۸.
۱۰. شجعی، زهرا (۱۳۷۲)، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی؛ جلد اول، تهران: سخن
۱۱. قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷)، مدارس جدید در دوره قاجاریه، بنیان و پیشروان؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۲. کسروی، احمد (۲۵۳۷)، تاریخ مشروطه ایران؛ دو جلد، تهران: امیرکبیر
۱۳. گلریز، محمدعلی (۱۳۶۸)، قزوین: مشروطه؛ قزوین: مرکز نشر فرهنگی قزوین.
۱۴. مستوفی، عبدا... (۱۳۷۷)، شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، چاپ چهارم، تهران: زوار.
۱۵. نخستین، مهدی (۱۳۶۷)، تاریخ سرچشمه‌های اسلامی آموزش و پرورش غرب؛ ترجمه عبدا.. ظهیری، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۶. هاشمیان، احمد (ایرج) (۱۳۷۹)، تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون؛ تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب.